

بلاغت کاربردی
کارشناسی ارشد
جلسه چهارم
مدرس: دکتر دارابی

بدیع لفظی

روش‌های تکرار واژه

در کتب بلاغت برای آغاز و پایان مصراع و بیت از اصطلاحاتی استفاده می‌شد به این شرح:

صدر *—————* عروض *—————* ابتدا *—————* ضرب یا عجز

ردالصدر الی العجز

یعنی اول و آخر بیت یکسان باشد:

کرده ردیف شعر از آن چون کمان **دست**
خوش آنکه بود ما را روی تو شمع **محفل**
بدان عنبرین طره بی **قرار**
تو آدمی بچه، دل می‌بری ز دست **پری**
که پاکیزه‌تر از سرشک **هوایی**

دستم رسد به اوج سخن کز کمال فکر
محفل ز دود آهم تاریک و تیره گردد
قرار از دل من ربود آن نگار
پری ز مردم اگر دل برد به جلوه‌گری
هوای ترا برگزیدم به عالم

رد العجز الى الصدر

کلمه آخر بیتى (عجز) در آغاز بیت بعد (صدر) تکرار شود:

ز دل صدپاره بر دوش **نگاهم**
بماند از دلم صدپاره بر جای

نشنید هر دم از الماس آهم
نگاهم هر کجا گردد گران پای

ساقیا آخر کجایی؟ **هین بیا**
بر سر آتش بماندم ساقیا

در دلم افتاد آتش ساقیا
هین بیا کز آرزوی روی تو

رد الابتداء الى العجز

اول و آخر مصراع دوم یکسان باشد:

یک خدنگ جور کو کان غمزه را در کیش نیست
بر چه **کیشی** چون تو از دلبران بد**کیش** نیست

تو **پیکوی** از آن باشد مقام لعل در **پیکو**
تو **ویرانی** از آن آمد مقام گنج در **ویران**

پیکو: نام مکانی در شرق هندوستان

رد الصدر الى الابتداء

آغازِ مصراع اول، با آغازِ مصراع دوم یکسان باشد:

آسوده تر دلی که در آنجا مقام تست

اندک بختی وفای ما را

بر شمع نسوزد دل پروانه در این شهر

آسوده بیدلی که به کویت کند مقام

اندک رحمی ستمگران را

چون شمع به هر جمع بسوزیم و چه حاصل

ردالصدر الى العروض

اول و آخر مصراع اول يكسان باشد:

ز **دستم** گر بر آید بر سر آنم که تا **دستم**
مدعا حاصل نگردد، **مدعا** است

به دامانش رسد سر بر نیارم از گریبانم
عشرت از دل روی تابد عشرت است

ردالعروض الى الابتداء

آخر مصراع اول و آغاز مصراع دوم یکسان هستند:

من **شاد** به دورانِ شهنشاهِ جهانم

ارس بنالید از درد و قصه من

چون آبِ حیاتی تو کاندِرِ ظلماتی تو

یارانِ نشاطند ز دورانِ جهان **شاد**

شدم به آتش هجران زدم به آبِ **ارس**

ای جامه سیه کرده، **چون آبِ حیاتی** تو

تشابه الاطراف

یکی از کلمات اواخر مصراع اول، در اوایل مصراع دوم و یکی از کلمات اواخر مصراع دوم در اوایل مصراع سوم و... تکرار شود.

دوباره باد بهار، به باغ شد پی‌سپار به باغ شد پی‌سپار، نسیمی از هر کنار
نسیمی از هر کنار، شد آشکارا چو پار شد آشکارا چو پار، نوایی از مرغ زار
نوایی از مرغ زار، برآمد از مرغزار

پر از شقایق شده است فراز تل و دمن فراز تل و دمن بود چو کانِ یمن
بود چو کانِ یمن ز لاله صحنِ چمن ز لاله صحنِ چمن به گونه چون بهرمن
به گونه چون بهرمن به بو چو مشکِ تار

بهرمن: یاقوت سرخ

التزام یا اعنات

در هر مصراع یا بیت، کلمه‌ای را تکرار کنند:

من آن مور سخنگویم، من آن مویم که جان دارد	اگر موری سخن گوید و گر مویی روان دارد
ز هجر غالیه مویی که چون موران میان دارد	تنم چون سایه موی است و دل چون دیده موران
نه موی از من خبر یابد نه مور از من نشان دارد	اگر با موی و با موری شبانروزی شوم همراه

طرد و عکس

مصراع را به دو پاره تقسیم کنند و آن دو پاره را، برعکس تکرار کنند:

کعبه به درد پیام داده است	کای کعبه جان و جان کعبه
از بندگی زمانه آزاد	غم شاد به ما و ما به غم شاد
تو از برای عشقی و عشق از برای تو	من از برای دردم و درد از برای من
بیگانه وضعیم یا آشناییم	ما نیستیم اوست، او نیست ماییم